



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۳/۰۸/۰۱

عبدالباری جهانی

نگاه مختصری به سلطنت و شخصیت امیر حبیب الله خان

قسمت سوم

روابط امیر حبیب الله خان با حکومت هند برتانوی:

امیر عبدالرحمن خان، بنا بر تجربه دوازده سال زندگی که در آسیای میانه سپری نموده بود، همیشه به نیت امپراطوری روسیه بدبین بود. او به این عقیده بود که روسیه دائماً میخاهد قلمرو خود را به سرحدات هند نزدیک نموده تا هر آن امکانات حمله به هندوستان را داشته باشد. بالمقابل، برتانیه میخاهد که دول اسلامی که بین هندوستان و قلمرو روسیه قرار دارند قویتر و باثبات تر باشند تا در مقابل حملات روسیه مانند سد محکمی استوار باشند. او، در حالیکه به نیت انگلیس هم چندان اعتماد ندارد و از صمه های که دولت انگلیس به افغانستان رسانده اند یاد آور میشود، مینویسد: "... شک نیست که تمام مسلمانان دنیا بدوستی دولت انگلیس از دوستی دولت روس بهتر مایلند. مسلمانها میدانند که راحت و امنیت آنها بسته به این است که با دولت انگلیس دوست باشند لهذا بهمین جهت با اینکه از دولت انگلستان بیشتر از دولت روس صدمه خورده اند باز هم ابدأ مایل نخواهند بود بمخالفت دولت انگلیس با دولت روس متفق بشوند و اگر یک وقتی هم این اقدام را بنمایند اجباری خواهد بود. بملاحظه دلایل مذکوره فوق مطالبی در باب مقاصد دولت انگلیس و سلطنت هندوستان و نیز بجهت پیشرفت دولت عثمانی و ایران و افغانستان خیلی معتنا میباشد. مطلب مذکور اظهاریست که اگر اظهار مذکور را سیاسی دانهای دول مذکوره قبول نمایند بجهت آنها خیلی نافع خواهد بود. مطلب مذکور اینست که دولت عثمانی و ایران و افغانستان که سه دولت برادارانه اسلامی هستند و بیک دین متدین هستند باید با همدیگر کمال اتحاد را داشته باشند و اگر ممکن باشد پایتختهای خود را بواسطه راههای آهن و خطوط تلگراف بیکدیگر وصل نمایند. این تدبیر بمنزله دیوار محکمی در مقابل تخطیات استمراری دولت روس بطرف هندوستان خواهد گردید و بجهت خود دول اسلامی هم اسباب محافظت خواهد شد. چون بنای این اتحاد ثلاثه بجهت منفعت دولت انگلیس میباشد و بیشتر بسته بمیل و همراهی دولت مذکوره است هر چه زود تر دولت انگلیس بجهت اجراء این کار اقدام بعمل بیآورد بهتر خواهد بود. دولت عثمانی و ایران قبلاً سعی بودند که بین خود شان دوستی محکم قایم نمایند. ولی افغانستان چون با دولت انگلیس معاهده نموده است که با سایر دول خارجه بدون اطلاع و صواب دید دولت مشاراً الیه مذاکرات پولیتیکی ننماید نمیتواند با دولت ایران و عثمانی مذاکراتی بنماید. اگرچه افغانستان مقاصد دولت ایران و عثمانی را مقاصد خود میدانند..." تاج التواریخ جلد دوم ص ۱۹۱

امیر حبیب الله خان، در زمینه پالیسی خارجی، سیاست سلف خود را تعقیب نموده و تا آخرین روز حیات خود از دوستی با روس ها اجتناب میورزید و با انگلیس ها نزدیک میبود. او، مانند پدر خود، در داخل خاک افغانستان آزادی مطلق عمل را حفظ مینمود. البته برخلاف پدر خود، در قبال مخالفین سیاسی نسبتاً به نرمی عمل میکرد و در مسله اصلاحات، با وجود مخالفت های شدید سردار نصرالله خان و ملاهای طرفدار او، حتی الوسع سریعتر عمل مینمود.

امیر حبیب الله خان در دوستی با انگلیس ها، تا آخرین درجه، از استقلال اراده خود دفاع مینمود. بعد از وفات امیر عبدالرحمن خان، وقتی وایسرای حکومت هند برتانوی لارڈ کرزن Lord Curzon از حبیب الله خان دعوتی بعمل آورد و خاطر نشان ساخت که چون موافقه ایکه بین امیر عبدالرحمن و حکومت هند برتانوی صورت گرفته شکل یک موافقه خصوصی داشته است بناءً امیر حبیب الله باید به هند سفر نموده تا در باره بعضی مواد بحث نموده و تجدید نظر صورت گیرد. ولی امیر حبیب الله خان دعوت او را نپذیرفت و در جواب نوشت که نسبت مشکلات داخلی به هند سفر کرده نمیتواند. ضمناً در نامه جوابیه خود نوشت: "دوست مهربانم، من کاملاً متیقین هستم که در

د پاپو شمیره: له 1 تر 8

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

موافقه ای که موجود است هیچ چیز جزئی و یا کلی حذف نشده و کدام تغییری رخ نداده که ارزش تفسیر و یا قید شدن در کتاب را داشته باشد" Sykes P 217

امیر حبیب الله خان، برخلاف ذهنیتی که در باره او حاکم است، و او را مزدور حکومت هند برتانوی قلمداد مینمایند، از روزهای اول سلطنت خود تا آخرین روز حیات استقلال اراده خود را حفظ نمود و هیچگاهی به حکومت هند برتانوی اجازه لطمه زدن به غرور افغانی خود را نداد. امیر به دشمن درجه یک حکومت هند برتانوی، ملانجم الدین (د هدی ملاصاحب) نه تنها اجازه بودباش مصوون در خاک خود را داد بلکه با عزت و وقار به وسیله تخت روان تا خاک افغانستان آورد. او تا آخرین رمق حیات خود، در حالیکه هیچ وقت از دشمنی با انگلیس ها دست برنداشت، در مرکز خود هده با عزت و وقار زندگی بسر برد.

ضمناً اپریدی های سرحد را، خصوصاً قبیله زخه خیل، که از سالهای سال یاغی بودند و بر مراکز انگلیس ها حمله های پی در پی میکردند، به دربار خود پذیرفتند. خواص خان اپریدی را، که یکی از دشمنان سرسخت حکومت هند برتانوی بود، با آغوش باز پذیرفت و به او وعده کمک های مالی و نظامی داد. امیر به خواص خان وعده سپرد که به هر داوطلبی که او در لشکر قومی خود استخدام نماید دو برابر معاش یک عسکر افغان را خواهد داد و بر علاوه آن یک ماه معاش پیشکی را تادیه خواهد نمود. Hamilton, PP446-447

امیر چون از وضع متکیرانه ویسرای هند لارد کرزن نفرت داشت، دعوت او را به هند برای بیش از پنج سال معطل نمود و در اواخر سال ۱۹۰۶، وقتی به هند سفر نمود که لارد منتو به عوض لارد کرزن مقرر شده بود. نه تنها در امور داخلی خود به هیچ گونه مداخله حکومت هند برتانوی اجازه نداد؛ نه تنها هیچ نماینده غیر هندی را، از حکومت هند برتانوی، قبول نکرد بلکه نماینده های حکومت هند که در قندهار و کابل میزیستند حیثیت زندانی ها را داشتند. همیلتن مینویسد:

" نماینده برتانیه در کابل در وضعیت بسیار بدی قرار دارد. اروپایی ها نمیخواهند با او در تماس شوند زیرا میترسند که تماس آنها با نماینده برتانیه بدبینی و شکوک حکومت افغانستان را تحریک خواهد کرد. اگر او می خواهد با امیر ببیند باید که وقت ملاقات را خواسته و، بر اساس وقت تعیین شده، با امیر دیداری بهم رساند. او را فقط یک زندانی میتوان خواند. زیرا باوجود آنکه در دربار پذیرفته میشود نمیتواند با کسی ملاقات کند و یا جرأت برآمدن به کوچه های کابل نماید. اگر کدام اروپایی یا کدام خارجی دیگر حین ملاقات با نماینده برتانیه دیده شود فوراً از خاک افغانستان اخراج میگردد. هیچ افغان اجازه ورود به نمایندگی برتانیه را ندارد و از زمانیکه سرسالتز پابن از کابل رفته هیچ فرد انگلیس داخل نمایندگی نشده است. حتی اگر کسی در نزدیکی تعمیر نمایندگی دیده شود تحت مراقبت مقامات حکومتی قرار میگیرد. چون سزای رفتن به نمایندگی برتانیه با زندانی شدن ختم نمی گردد؛ این یک قسم قانون غیر تحریر شده گردیده است که اگر خیر خود را میخواهد با نماینده برتانیه ملاقات نکنید...." Ibid PP 373-374

امیر حبیب الله خان، با وجود آنکه با حکومت برتانیه، در جنگ جهانی اول وعده بی طرفی سپرده بود، از هیات مرکب آلمان، ترکیه و اتریش در کابل با گرمی استقبال نمود و آنها را تا شش ماه در کابل نگه داشتند. ساده نیست که، در جوار هند برتانوی، تشکیل حکومت موقت هند را تحمل مینمود و به آنها اجازه فعالیت های خارجی میداد. فعالیت های مولوی عبیدالله سندهی را، که یکی از دشمنان درجه یک حکومت هند برتانوی بود، تحمل مینمود و به محصلینی که بر ضد برتانیه جهاد میکردند در خاک خود جای داده و معاشات آنها را تأمین مینمود. کارهاییست که یک حکومت مزدور به هیچگونه از عهده آن برآمده نمیتواند.

با وجود آنکه روسها افغانستان را از ساحه نفوذ خود بیرون میدانستند و با وجود آنکه، طبق تفاهم دوجانبه بین امیر عبدالرحمن خان و حکومت هند برتانوی، افغانستان نمیتوانست که با ممالک خارجی، بدون مشوره حکومت برتانیه در تماس آید، روسها اعلام نمودند که وقت آن رسیده است که بین افغانستان و روسها تماسهای مستقیم برقرار شده و روابط تجارتي را قایم نمایند. روسها در ماه سپتمبر سال ۱۹۰۱ نماینده خود سکندر خان ترکمن را به دربار افغانستان فرستاد. در مکتوبیکه او از حکومت خود آورده بود و امیر حبیب الله خان در دربار عام آنرا قرأت نمود آمده بود که به عقیده حکومت روسیه وقت آن رسیده است که این دوکشور روابط تجارتي را قایم نمایند. افغانها باید از روسها ترس نداشته باشند زیرا روسها با انگلیها دوست هستند و اگر بخواهند بصوب بدخشان و واخان پیشروی کنند با مخالفت شدید انگلیس ها مواجه گردیده و دوستی این دو مملکت بخطر میافتد....

امیر حبیب الله خان عقیده مجلس را در باره این مکتوب پرسید. یکی از اعضای مجلس علی یار خان گفت که این سگ ترکی را، که پیغام یک حکومت کافر را آورده، باید آنقدر با بوت ها برسر زد که موهای سرش بیافتد. و این جواب ما به روسها خواهد بود.

امیر حبیب الله خان ازین جواب فوق العاده رنجید و علی یار خان را گفت که این سزای بوت زدن باید اصلاً به تو داده شود. امیر حبیب الله خان نماینده حکومت روس را با عزت رخصت نموده و پنجاه روپیه را به او اعطا نمود..... Ibid PP 444-445

این همه اقدامات شاهد ضدیت امیر حبیب الله خان با حکومت برتانیه و آزادی اراده و عمل او بوده است. امیر حبیب الله خان در دسمبر سال ۱۹۰۴ فرزند ارشد خود عنایت الله خان را به هند فرستاد که با گرمی استقبال شد و با لارڈ کرزن دیداری بهم رساند. چند ماه بعد از آن سرلویس دین Sir Louis Dane به کابل فرستاده شد و بعد از مذاکرات طولانی موافقه ۱۹۰۵ را امضاء نمود. مذاکرات درباره موافقه سه ماه طول کشید و وقتی به امضای هر دو طرف رسید انگلیس ها هیچ امتیازی بدست نیاورده بودند. چون امیر حبیب الله صرف آن موافقه را تایید نمود که امیر عبدالرحمن خان با انگلیس ها امضاء نموده بود و در عوض او پادشاه مستقل افغانستان و مربوطات آن خوانده شد و همچنان برتانیه موافقه نمود که افغانستان میتواند هرگونه اسلحه را از راه هند وارد نماید. ضمناً موافقه نمود که مستمری پادشاه افغانستان را کما فی السابق بپردازد و باقیات ۴۰ هزار پوند را به افغانستان ارسال نماید.

امیر حبیب الله خان بسال ۱۹۰۶ وقتی به هند سفر نمود که لارڈ کرزن از هند رفته و به عوض او لارڈ منتو تعیین شده بود. امیر حبیب الله خان در یک بیانیه ای به مقابل لارڈ منتو گفته بود که دعوت لارڈ کرزن را به خاطر قبول ننموده بود که مکتوب او دعوتنامه نه بلکه یک تهدید بود و در آن نگاهشده شده بود که اگر من به هند سفر ننمایم سببیدی من قطع خواهد شد. Ibid P 217

امیر حبیب الله خان شاید میخواست بدین وسیله سرکشی و استقلال اراده خود را ابراز نماید و گفته میتوانیم که سرکشی او، در مقابل لارڈ کرزن، آنقدرها بی تأثیر هم نبود. او با چنان استقبال شایانی مواجه شد که شاید از تصور خود او هم بلند تر بود. امیر حبیب الله خان در لندن خانه از طرف مهماندار او سر مک مهون Sir Mc Mahon استقبال شد و به افتخار او ۳۱ فیر توپ صورت گرفت. پادشاه انگلستان با فرستادن تلگرامی از او استقبال بعمل آورد و برای اولین بار او را علیحضرت خطاب نمود؛ و بعد از آن، در همه مکاتیب رسمی، از او بنام علیحضرت یاد آوری میشد. Ibid P226

امیر حبیب الله خان در بیانیه های خود نفرت و انزجار شدید خود را از روسها ابراز داشت و روسها را دشمن افغانستان خواند. او، بالمقابل، انگلیس ها را دوست کشور خود خواند و وعده نمود که، اگر انگلیسها با افغانستان وفادار بماند، او هم دوست وفادار انگلیسها خواهد ماند.

ابراز دوستی امیر حبیب الله خان، با انگلیسها، در افسار محافظه کار افغانستان بی تأثیر و پنهان نماند. آنها، بخصوص، از ابراز احترام او به هندوها و سیکه های هندوستان ناراض بودند. گفته میشود که ملاهای لغمان برای قتل نمودن امیر دسیسه ای طرح نموده بودند ولی دسیسه کشف شد و متهمین اعدام شدند. Ibid p 230

ارنولد فلیچر درباره سفر حبیب الله خان به هند برتانوی مینویسد که انگلیس ها این سفر حبیب الله خان را یک پیروزی خواندند و فکر میکردند که امیر بعد از این سفر طرفدار برتانیه خواهد بود. ولی آنها اشتباه میکردند چون او مانند پدر خود ضد برتانیه بود و این قسم سفرهای رسمی از نفرت او به برتانیه نمی کاست و او تا آخر حیات خود با برتانیه تعصب نشان میداد. Fletcher, Afghanistan Highway of Conquest. P 174

چیزیکه باعث انزجار بیشتر حبیب الله خان شد همانا کانونسیون ۱۹۰۷ بین روسیه و انگلستان بود Anglo Russian Convention. درین کانونسیون، که مواد آن مربوط به ایران و افغانستان میشد، از حبیب الله خان دعوتی بعمل نیامده بود ولی در کانونسیون شرط نهاده شده بود که موافقه بدون امضای حبیب الله خان نافذ نخواهد شد. حبیب الله خان این عمل را یک سلیبی به غرور افغانها خواند و از امضا نمودن آن انکار ورزید. این عمل انگلیس ها ضمناً در دربار کابل اشخاص ضد انگلیس و طرفداران جنگ با آن کشور را تقویه نمودند. امیر حبیب الله خان، که هنوز هم نفوذی در قبایل آزاد داشت، به شورشیان کمک نمود و بدین وسیله انزجار خود را آشکار ساخت. در ایالت شمال غربی هند بسال ۱۹۰۷، ۵۶ حمله صورت گرفته بود و درسال ۱۹۰۸ به ۹۹ حمله ازدیاد یافت و بسال ۱۹۰۹ تعداد حملات بر مراکز برتانیه به ۱۵۹ رسید. Ibid P 175

افغانها در مقابل انگلیس ها، مانند هر وقت دیگر، حق بجانب بودند. امیر حبیب الله خان، با وجود مخالفتهای شدید حزب جنگ دربار، با انگلیس ها اعلان دوستی نموده بود. درین صورت افغانستان، به حیث یک دولت دوست، باید درین کنفرانس حضور میداشت؛ زیرا چندین مواد این کانونسیون به افغانستان ارتباط مستقیم میگرفت:

” جانبین ذیدخل در موافقتنامه بنا بر آرزوی صادقانه ایکه برای قایم نمودن امنیت کامل در سرحدات خود، در اسبای میانه و برای برقرار نمودن صلح محکم دایمی، موافقه نمودند تا درزمینه یک کانونسیون را دایر نموده و فیصله های ذیل را عملی نمایند:

۱: حکومت اعلیحضرت، پادشاه برتانیه، اعلام میدارند که در موقف سیاسی کنونی افغانستان قصد هیچ تغییری را ننمایند. حکومت اعلیحضرت همچنان در افغانستان فقط بصورت غیرفعال از نفوذ خود استفاده بعمل می‌آورد و مستقیماً در مسایل افغانستان حصه نمی‌گیرد و هیچ وقت آنها را تشویق نخواهند کرد تا در مقابل روسیه متوسل به اقدامات تهدید آمیز گردد. حکومت روسیه، از طرف دیگر، افغانستان را خارج از حوزه نفوذ خود اعلام میدارد و وعده میسپارد که همه اختلافات خود را با افغانستان به میانگیری حکومت اعلیحضرت پادشاه برتانیه محول نماید. روسیه همچنان وعده میسپارد که هیچ وقتی نماینده های خود را به افغانستان نفرستد.

۲: حکومت اعلیحضرت پادشاه برتانیه در موافقتنامه ایکه به تاریخ ۲۱ مارچ ۱۹۰۵ در کابل به امضا رسید اعلام نموده اند که همان موافقتنامه را که با امیر فقید عبدالرحمن امضا نموده اند معتبر شمرند و در مسایل داخلی حکومت افغانستان هیچ مداخله نکنند. حکومت اعلیحضرت وعده میسپارد که هیچ حصه ای از خاک افغانستان را نه اشغال و نه به خاک خود ملحق نماید و در صورتیکه امیر افغانستان، که همین موافقتنامه را تایید نموده اند، از موافقتنامه مزبور تخطی نه ورزد هیچ وقتی در مسایل اداری آن کشور مداخله نکنند.

۳: مقامات روسیه و افغانستان در سرحدات خود و همچنان در داخل مناطق سرحدی خود برای برقرار نمودن روابط دوجانبه و حل نمودن مسایل محلی، که صبغه سیاسی نداشته باشد، میتوانند نماینده گی ها داشته باشند.

۴: حکومت برتانیه و روسیه اعلام میدارند که در افغانستان بر اصل تساوی حقوق تجارتی یکدیگر را رعایت کنند و موافقه میکنند که همان تسهیلاتیکه برای تجار برتانیه و تاجران هند برتانوی در افغانستان مهیا میباشد برای تاجران روسیه هم مهیا گردد. اگر پیشرفت تجارت ایجاب تاسیس نمودن دفتر و یا نمایندگی تجارتی و یا فرستادن نماینده های تجارتی نمایند در این صورت هر دو حکومت موافقه میکنند که این مسله را به اراده آزاد امیر افغانستان محول نمایند.

۵: موافقه فعلی تنها وقتی نافذ میگردد که حکومت برتانیه از رضایت امیر، در مورد مواد موافقتنامه، به حکومت روسیه اطلاع بدهد " Sykes PP 356-57".
قسمیکه قبلاً ذکر نمودیم، در این کانونسیون مسایلی مطرح شده بودند که به سرنوشت و حق حاکمیت افغانستان ارتباط مستقیم میگرفت. امیر افغانستان در زمینه از غرور افغانی خود کار گرفته بود، انزجار خود را ابراز نموده بود و حد اقل از امضاء نمودن فیصله های کانونسیون خود داری ورزیده بود.
مهمترین واقعه ایکه در زمان امیر حبیب الله خان رخ داد جنگ اول جهانی بود که در اثر آن ممالک اسلامی شرق میانه از تسلط مستقیم ترکیه عثمانی آزاد شدند ولی زمینه مداخلات دایمی جهان غرب، خصوصاً برتانیه، را در شرق میانه فراهم ساخت که تا امروز دوام نموده است. ویسرای حکومت هند برتانوی به تاریخ ۸ اگست سال ۱۹۱۴ به امیر حبیب الله خان نوشت:

" میخوام شما را مطلع بسازم که در اروپا حالت جنگ وجود دارد. استریا-هنگری با سربیا اعلان جنگ نموده اند و جرمنی هم با فرانسه و روسیه دشمنی را آغاز کرده است. در نتیجه بین برتانیه و جرمنی هم جنگ آغاز یافته است؛ البته برتانیه با فرانسه علاقه و دلچسپی حیاتی دارد. بتاريخ ۱۸ جولای سال ۱۸۸۰ به امیر فقید یک مکتوب فرستاده بودیم که شما اعلیحضرت هم آنرا در موافقتنامه ۱۹۰۵ تایید نموده اید و موافقه نموده اید که در ارتباط با روابط خارجی حتماً به مشوره حکومت برتانیه عمل خواهید نمود. من مطابق همین موافقتنامه به شما مشوره میدهم که افغانستان را در بیطرفی مطلق نگه دارید. و به نگه داشتن نظم در هر دو طرف سرحد توجه جدی مبذول دارید" امیر حبیب الله خان در جواب او نوشت: از اطلاع شما سپاسگذارم تا وقتیکه حکومت افغانستان عزیز از هر قسم آزار و زهر چشم دشمنان خود در امان باشد و متیقین باشد که از هیچ طرف ضرری متوجه آن نیست و حالت استقلال فعلی خود را داشته و حفظ نموده باشد مردم این سرزمین به فضل خداوند، طبق مشوره دوستانه جناب عالی شما، بیطرف خواهند ماند. جلالتمآب شما در زمینه هیچ تشویش نداشته باشید " Stewart, Fire in

Afghanistan. P 7

امیر حبیب الله خان، طبق وعده ای که با ویسرا نموده بود، تا پایان جنگ اول، به هیچ وجه تسلیم فشار نصرالله خان، اعتمادالدوله عبدالقدوس خان و عناصر محافظه کار نشد؛ و تا پایان جنگ بیطرفی حکومت خود را به وجه احسن حفظ نمود. امیر حبیب الله خان، در نفرت و انزجار از حکومت برتانیه، کمتر از برادر خود و اعضای حزب جنگ نبود؛ ولی او قدرت نظامی و اقتصادی حکومت هند برتانوی را در سفر طولانی خود به هند از نزدیک دیده بود و می فهمید که افغانستان را نباید بیهوده با دودشمن قوی مواجه ساخته و پایمال قوای پیاده و توپچی دشمن نمود.

انگلیسها موقف بیطرفی حبیب الله خان را میستودند ولی رضایت انگلیسها معنی این را نمی دهد که حبیب الله طبق منافع آنها عمل نموده بود بلکه او از همه اولتر متوجه منافع علیای مردم و نگه داشتن کشور خود از گزند دشمنان قوی بود و طبق خواسته های زمان و با در نظر داشتن توازن قواء عمل میکرد.

امپراطور انگلستان، جورج پنجم در مکتوبی به او نوشت: "وقتی می بینم که شما با چه ایمانداری و وقار همان بیطرفی مطلق را که وعده نموده بودید حفظ نمودید بی اندازه سپاسگذارم... شما هنوز هم آن دوستی را بیشتر و

بیشتر تقویه خواهید نمود که من به آن ارزش فوق العاده قایل هستم" Miller, Khyber. P 312

وقتی جنگ به پایان رسید و امپراطوری برتانیه به اهداف خود در شرق میانه نایل آمد و تا پایان جنگ از گزند احتمالی حکومت افغانستان در تیبانی با قبایل آزاد مصون شد؛ امیر حبیب الله طلب پاداش نمود و آن پاداش غیر استقلال افغانستان چیز دیگری نبود. حبیب الله خان در پایان سال ۱۹۱۸ به ویسرای جدید هند برتانوی لارد چیلسفورد Lord Chelmsford درخواستی تسلیم نمود و تقاضا نمود که افغانستان باید در کنفرانس صلح ورسای Versailles نماینده داشته باشد. مگر امیر حبیب الله خان دید که دوستان او برخلاف انتظارش چندان وفادار نبودند. ویسرای هند در جواب امیر حبیب الله خان نوشت که درخواست شما قبل از وقت است. حبیب الله خان در مقابل این جواب ویسرا عصبانی شد و در جواب او در اوایل فبروری سال ۱۹۱۹ نوشت که حکومت برتانیه باید استقلال کامل افغانستان را به رسمیت بشناسد و به افغانستان آزادی کامل عمل را اعطاء نماید. و اگر برتانیه این خواست او را قبول ننماید او نماینده خود را به کنفرانس ورسای خواهد فرستاد و در همانجا ناسپاسی حکومت برتانیه را رسوا خواهد نمود. و به کمک خداوند، از اعضای کنفرانس امضای آزادی افغانستان را بدست خواهد آورد. البته اجل به

حبیب الله خان مجال نداد و او بتاريخ ۱۹ فبروری بقتل رسید. Ibid P 313

امیر حبیب الله خان، در مکتوبیکه به وایسرای هند برتانوی تحریر نموده بود، از خدمتیکه در جنگ جهانی اول به برتانیه نموده بود، یادآور شده بود و نگاشته بود که اگر او بیطرفی خود را حفظ نمی نمود و مشکلاتی را در منطقه قبایل آزاد برای برتانیه خلق میکرد برتانیه شاید بامشکلات بیحد و حصری دچار میشد. لذا برتانیه باید در ازای همان خدمتیکه او نموده است استقلال کامل افغانستان را به رسمیت بشناسد. فلیچر مینویسد: "چیزیکه حبیب الله، متأسفانه، درک نکرد، پدر او میفهمید؛ و آن اینکه احسان در سیاست قدرتها چندان اهمیت و جایگاهی ندارد. برتانیه، که از جنگ خسته شده بود، در آن شرایط، نسبت به روسیه تزاری از رژیم کمونیستی اتحاد شوروی بیشتر بیمناک بود. برتانیه، در آن شرایط، به درخواست افغانستان وقعی نگذاشت بلکه با خونسردی و لا پروایی تمام جواب داد

که برتانیه به نظارت روابط خارجی افغانستان دوام خواهد داد" Fletcher, P 183

فلیچر مینگارد که قاتل امیر حبیب الله هرگز معلوم نشد. روسها گفتند که قاتل مصطفی صغیر نامداشت و یکی از گماشته های برتانیه بوده است. و این ادعای روسها را حکومت افغانستان هم تایید نمود. برتانیه، به نوبت خود، حزب جنگ را مسوول این قتل دانست؛ و بطور مشخص اسمای امان الله خان، نصرالله خان، محمودبیگ طرزی و

نادر خان را میگرفتند... " Ibid, PP 183-84

گسیل نمودن هیأت های عثمانی به دربار کابل:

بسال ۱۹۱۴ جنگ جهانی اول آغاز یافت. جرمنی، اطیش و ترکیه عثمانی، که بعداً بنام متفقین یاد شدند، بر ضد ممالک اروپایی و روسیه تزاری، که متحدین خوانده میشدند، اعلان جنگ نمود. حکومت امپراطور جرمنی کیزر ویلیام Kaizer Wilhelm اعلان نمود که همه مردم کشور جرمنی به اسلام گراییده اند و شخص ویلیام نه تنها مسلمان شده بلکه به حج رفته است و او را حاجی ویلیام نامیدند. علماء اسلام، به حمایه خلافت عثمانی و حاجی ویلیام، بر ضد متحدین اعلان جهاد نمودند و از مردم کشورهای اسلامی خواستار حمایه از جرمنی و ترکیه شدند. ترکیه و جرمنی، برای همین منظور، هیاتی مرکب از عیسوی ها و مسلمانان و هندو ها به افغانستان فرستادند تا بر ضد برتانیه اعلان جهاد نماید. این هیأت در ماه نومبر ۱۹۱۵ به افغانستان رسید.

قبل از رسیدن هیأت فوق الذکر، ترکیه عثمانی دو هیأت یا دوشخص دیگری را به افغانستان فرستاده بودند که هر دو بدون بدست آوردن حمایت افغانستان نا امید و ناکام برگشتند.

ترکیه عثمانی به شخصی بنام شیخ محمدحسین وظیفه داده بود که وارد افغانستان شده و امیر آن کشور را به حمایت از اعلان جهاد تشویق نماید. چون شمال کشور ایران از طرف قوای روس و جنوب آن از طرف قوای انگلیس اشغال شده بود، شیخ مذکور با هزار زحمات و تکالیف خود را در ایالت خراسان به علاقه خواف رسانید. از آنجا شخصی بنام عبدالحکیم را، که باشنده خواف بود، با نامه ای به هرات گسیل داشت. شخص مذکور با نایب الحکومه هرات محمدسورخان دیداری بهم رسانیده و پیغام شیخ محمدحسین را به نایب الحکومه رساند، مبنی بر اینکه شیخ مذکور طبق هدایت خلیفه عثمانی خود را به خواف رسانیده و میخواهد با شخص امیر افغانستان دیدار نماید. البته نایب الحکومه هرات طالب هدایت از امیر حبیب الله خان شده و حبیب الله خان به نایب الحکومه هرات هدایت داد

تا شیخ مذکور از خواف حرکت ننماید و نامه هاییکه از خلیفه عثمانی در دست دارد بشما بسپارند تا معلوم گردد که هدف نامه های خلیفه عثمانی چیست. شیخ مذکور حاضر به سپردن نامه نشده و نومید برگشت. چندی بعد میرزا محمدرفعی را، که از قزلباشیه قندهار بود و با سردار محمدایوب خان به ایران پناهنده شده و در آنجا ملقب به رفیع الممالک گردیده بود، روانه کابل نمود و با شمشیر گرانیهایی از طرف خلیفه عثمانی و نامه های چند خود را، با زحمات زیاد، تا مشهد رسانید. از آنجا با کمک سفیر عثمانی در ایران خود را تا نزدیکی هرات در کهسان رسانید و از آنجا با نایب الحکومه هرات تماس گرفت. نایب الحکومه هرات او را، به اثر هدایت امیر حبیب الله خان، بیرون از شهر نگه داشته و خرج و خوراک او را تهیه نموده ولی اجازه ملاقات با امیر را در یافت نداشت و گویا این شخص دوم هم بی نیل مرام ناکام برگشت. کاتب، سراج التواریخ جلد چهارم قسمت سوم ص ص ۵۶۰-۵۶۴

امیر حبیب الله خان گویا با هیأت اول یا شیخ حسین سخت گرفته بود و حتی بدون فرستادن کدام پیامی او را رخصت نموده بود. ولی شخص دوم یا میرزا محمدرفعی را در بیرون از شهر هرات چندی معطل نمود و چهار هفته بعد یک مکتوب سری را به او فرستاد؛ ولی مکتوب را به میرزا محمدرفعی تسلیم نه نمود و، به وسیله قاصد، از او خواست تا متن مکتوب را حفظ نموده و به سفیر خود در ترکیه قرأت نماید. در متن مکتوب آمده بود:

درین جنگ بزرگ، که همه ممالک اروپا در آن اشتراک دارند، به زودی نمیتوان در باره آن تصمیم گرفت. من به یک فرصت مساعد منتظر هستم و بسیار محتمل به نظر میرسد که چنین فرصتی مساعد شود. من همه آمادگی های ضروری را میگیرم. هر وقتیکه فرصت را مساعد دیدم البته وظیفه اسلامی خود را انجام خواهم داد. من نمیخواهم

که جهان اسلام به من لعنت بفرستد. Adamec. Afghanistan's Foreign Affairs P21

امیر حبیب الله خان همچنان آن عساکری را که از خدمت عسکری انگلیس ها فرار نموده و به فرانسه گریخته بودند و میخواستند از راه افغانستان به وطن خود در قبایل آزاد بروند ممانعت نمی نمود. جرمنی ها متوجه این حقیقت بودند که این عساکر، که در فرانسه تربیه عسکری را دیده اند، میتوانند در صوبه سرحد برای انگلیس ها درد سری را ایجاد نمایند. انگلیس ها را این وضع چنان و ارجحاً ساخته بودند که از استخدام پشتون ها در صفوف نظامی خود دست بردار شدند. در سال ۱۹۱۶ حبیب الله خان، با در نظر داشت دشمنی عمیق مردم افغانستان با انگلیس ها، قرارداد دوستی را با جرمنی امضاء نمود. البته این قرار داد به پالیسی بیطرفی امیر کدام صدمه نمی رساند؛ ولی همین قرارداد برای مردم جنوب افغانستان و قبایل آزاد صوبه سرحد چنان امیدها را ایجاد نمودند که فکر میکردند به زودی بر ضد انگلیس ها جهاد اعلان خواهد شد. بویکو، نبرد افغانی ستالین ص ۴۷

خواستنه هاییکه امیر حبیب الله خان، برای داخل شدن در جنگ، به هیأت جرمنی پیشنهاد نموده بودند، بر آوردن آنها غیر ممکن بود. امیر هر وقت میگفت که تا وقتی در جنگ حصه نخواهد گرفت که ۲۰ الی ۱۰۰ هزار عساکر ترکی و جرمنی به سرحدات افغانستان نرسند. البته جرمنی و ترکیه، که هیچ امیدی برای رسیدن به سرحدات افغانستان نداشتند، میخواستند تا حکومت افغانستان، و از طریق آن قبایل آزاد را، تحت شعار جهاد علیه برتانیه، داخل جنگ نموده و مفت و رایگان برای انگلیس ها مشکلاتی را ایجاد نمایند که به اثر آن قوای محلی آنها مصروف جنگ با قبایل آزاد و حکومت افغانستان گردیده و نتوانند قوای لازم را به میدانهای جنگ اروپا و افریقا گسیل نمایند. از طرف دیگر، در حالیکه امیر حبیب الله خان با جرمنی موافقتنامه دوستی را امضاء نموده بود، انگلیس ها مکتوب جرمنی ها را در مشهد بدست آورد که در آن نگاشته شده بود که جرمنی امید ندارد که امیر حبیب الله خان در جنگ اشتراک ورزد. در یکی ازین مکاتیب پیشنهاد شده بود که اگر او به هیچ صورت حاضر به اشتراک در جنگ نمیشد باید بر ضد او کودتا صورت بگیرد و به قتل رسانده شود. Sareen. India and Afghanistan, PP 71-

72

فرستادن هیأت جرمنی و ترکی به افغانستان و اعلام حکومت موقت هند در کابل: خلیفه عثمانی میخواست که با اعلام نمودن جهاد، علیه متحدین، پشتیبانی جهان اسلام را بدست بیاورد. خلیفه عثمانی میدانست که سرزمین مردم عرب، که از زمانه های قدیم تحت تسلط ترکها بسر میبردند، شاید از ترکیه حمایت نمایند. او همچنان میدانست که حکومت و مردم شیعه ایران از اعلام جهاد ترکیه سنی مذهب با دلگرمی لازم پشتیبانی نخواهند نمود. ازین سبب مردم افغانستان و قبایل آزاد سرحد را، که اکثریت مطلق آنها سنی مذهب بودند، زیر نظر گرفتند. جرمنی و ترکیه عثمانی اصلاً میخواستند که با ایجاد نمودن جبهه جنگ در سرحد شمال غربی هند و همچنان افغانستان برای انگلیسها مشکلی را ایجاد کنند که آنها مجبور به نگهداشتن هزارها عسکر هندی در همان ساحه گردند و نتوانند تا عساکر هندی خود را به جبهات اروپا و افریقا بفرستند.

در روزهای اول آغاز جنگ جهانی اول، آزادی خواهان هند در نقاط مختلف جهان، که فاصله های زیادی باهم داشتند، فعال بودند. آنها، به کمک وزارت جنگ آلمان، در برلین با هم یکجا شدند و برای استقلال هند از استعمار برتانیه یک تحریک جدیدی را اساس گذاشتند.

قبل از رسیدن قوای روس و انگلیس به ایران، فیلدمارشال واندرا گولتز Von Der Goltz با قوای جرمنی خود به خاک ایران رسید و قوه داوطلبان ایرانی را تشکیل داده بود. ولی در فبروری سال ۱۹۱۶ از قوای روس، که تازه قوای ترکیه را تارو مار نموده بود، شکست سختی خورد و مجبور به ترک نمودن خاک ایران شد. بدین ترتیب شمال ایران بدست قوای روس و مناطق جنوبی ایران بدست انگلیسها افتاد. هیات ترکی و جرمنی، که به افغانستان میآمد، بایست از خاک ایران عبور مینمود. چون ایران، تقریباً کاملاً، تحت اشغال قوای متحدین بود، هیات مرکب از جرمنی ها، ترکی ها و هندی ها در عبور از خاک ایران با هزار خطر مالی و جانی روبرو بود.

مهیندر اپراتاپ، که با این هیات از جرمنی حرکت نموده بود، مینویسد: "... باری ما از ۴ بجه بعد از ظهر، به سواری اسپ، حرکت کردیم و تمام شب را سفر نمودیم. صبح بعد از کمی استراحت حرکت کردیم و تا ناوقت شب دیگر در سفر بودیم. ما از دو جهت از طرف عساکر سوار روسی و انگلیسی تعقیب میشدیم. مگر به احسان خداوند و به کمک ستراتیژی خوب کپتان نیدرمایر Niedermayer جرمنی به گذشتن از صفوف دشمن کامیاب شدیم. از اصفهان هیات نیدرمایر با ما یکجا شد و با هم سفر مینمودیم. بالاخره، بعد از آنکه بسیاری از سامان و بار و بُنه و اسناد را از دست دادیم و بعضی از رفقای خود را ضایع نمودیم به سلامتی به کابل رسیدیم Mahendra Pratap, "My Life Story P 47"

این هیات در هرات به گرمی استقبال شد و بعد از چندی از هرات حرکت نمود و بتاريخ ۲ ماه اکتوبر سال ۱۹۱۵ به کابل رسید. امیر حبیب الله خان آنها را در مهمانخانه باغ بابر سکونت دادند و تا حد امکان مهمان نوازی نمودند...

این هیات، بعد از سه هفته، در پغمان با امیر حبیب الله خان ملاقات نمود. Ibid pp 49-50 همه مردم کابل، خصوصاً حزب جنگ، که در باره این هیات همه اطلاعات و انکشافات را از نزدیک تعقیب مینمودند، با دلگرمی از آن استقبال میکردند و امیر را با آغاز نمودن جنگ با برتانیه تشویق مینمودند. مهیندر اپراتاپ، به نوبه خود، با اعضای حزب جنگ مانند سردار عنایت الله خان، سردار امان الله خان، سردار محمدنادرخان و برادران او، که به گفته مهیندر اپراتاپ، طرفداران امان الله خان بودند، ملاقات ها میکردند و بعضاً این مجالس ساعت ها دوام میکرد. Ibid, P52

امر طبیعی است که مهیندر اپراتاپ اعضای حزب جنگ را به حمله بر سرحدات هند برتانوی ترغیب مینمودند. امیر از هر طرف تحت فشار بود؛ ولی تا آخر مقاومت کرد و هیچ وقتی از وعده ای که با حکومت انگلیس نموده بود، عدول نه نمود.

به نیدرمایر بسیار زود واضح گردید که از امیر حبیب الله خان چندان چیزی را به دست نخواهد آورد. امیر به دقت سخنان و استدلال او را گوش میکرد ولی هر وقت میگفت که او با متفقین همنا هست مگر انتظار میکشد تا عساکر ترکیه و جرمنی به سرحدات افغانستان برسند. نیدرمایر به او اطمینان میداد که به زودی قوای متفقین به سرحد این کشور خواهند رسید. امیر حبیب الله خان بالاخره یک موافقتنامه ای را با نیدرمایر امضا نمود که به هیچ صورت با عقل سر نمیخورد. امیر وعده نمود که در صورتی با قوای متفقین کمک خواهد نمود که آنها ۵ هزار توپ و ۲۰ میلیون پوند سترلینگ نقد بدهند. نیدرمایر می فهمید که در مأموریت خود ناکام مانده است مگر باز هم موافقتنامه

را امضاء نمود و به تاریخ ۲۲ ماه می سال ۱۹۱۶ از کابل حرکت کرد. Fletcher, P181 با آنکه حزب جنگ و ملاحی طرفدار آنها بر ضد امیر تبلیغات میکردند و حتی بعضی او را کافر و حامی کفار و باعث شکست و ضعف قوه اسلام میدانستند ولی امیر میدانست که یگانه راه رسیدن قوای متفقین به افغانستان از راه ایران میباشد. فیلد مارشال جرمنی در ایران شکست کلی خورده و از آن کشور فرار نموده بود و ایران عملاً تحت اشغال روس و انگلیس بود؛ و هیات مرکب از جرمنی، ترکیه، اطریش و هندی ها با چه زحماتی خود را تا افغانستان رسانند. و اگر افغانستان با دستان خالی با هند برتانوی اعلام جنگ نماید متفقین از کدام راهی به کمک او خواهند رسید؟

و اگر فرضاً امیر بر خاک هند برتانوی حمله می نمود و از حمایه کامل قبایل آزاد برخوردار میشد آیا روسیه تزاری، که از قدیم در انتظار چنین فرصتی میبود، بر خاک افغانستان بهانه تجاوز را بدست نمی آورد. و خدا میداند که قوای روس افغانستان را تا کجا اشغال میکرد و در آنصورت شاید انگلستان و لایات سرحدی افغانستان قندهار، جلال آباد و پکتیا را اشغال نموده و ضمیمه خاک هند میساخت و نقشه کنونی افغانستان تا ابد محو میشد. اعلان حکومت موقت هند در کابل:

اول دسمبر سال ۱۹۱۵ در باغ بابر کابل حکومت موقت هند، به رهبری مهیندرپراتاپ تشکیل شد. مهیندرپراتاپ، که تصادفاً اول دسامبر روز تولد او بود، همراهان هیأت خود را به اتاق خود دعوت نموده و اعلان نمود: "دوستان! بشما باید بگویم که چرا شما را زحمت داده ایم که در اینجا با ما یکجا شوید؟ من به جشن روز تولدی عقیده ندارم. زندگی یک جریان ناگسستگی است بدون آغاز و انجام. ما همین امشب حکومت موقت هند را تشکیل می‌دهیم. من به حیث رییس حکومت موقت هند سوگند وفاداری یاد میکنم و محترم مولنا برکت الله به حیث اولین صدراعظم این حکومت سوگند یاد خواهد کرد" PrataP, P 54

امیر حبیب الله خان با آنکه با خواست اصلی هیأت فرستاده جرمنی و ترکیه، در مورد داخل شدن افغانستان در جنگ، همنوایی نه نمود ولی فعالیت های ضد هند برتانوی حکومت موقت هند را تحمل مینمود و هیچ گاهی حتی در امور آنها مداخله ننمود. اعضای این حکومت از کابل به خارج سفرها مینمودند و پیام ها میفرستادند ولی عمال حکومت کابل از فعالیت های آنها جزئی ترین جلوگیری بعمل نمی آورد. پراتاپ در همچو یک مورد مینویسد: "یک مفکوره دیگریکه پیدا شد، همانا تحریر نمودن یک مکتوب از طرف حکومت موقت هند به عنوان اعلیحضرت تزار پادشاه روسیه بود. مکتوب را بر صفحه خالص طلا نوشتیم و محمدعلی و شمشیرسینگه (که نام اصلی او داکتر متورا سینگه بود) با مکتوب من به ترکمنستان روسی رفتند. صدراعظم مولنا برکت الله و مولوی عبیدالله وزیر داخله حکومت هند تفصیل آنرا تهیه دیده بودند" PrataP. P 55

در این مکتوب مختصر، پراتاپ نگاشته بود که متأسف خواهد بود که دو همسایه هند (افغانستان و روسیه) با هم بجنگند. او نگاشته بود که آرزو دارد این دو کشور با هم متحد شده و قدرت استبدادی جهانی انگلیند را پامال نماید و همه آن مردم را آزادی بخشند که برتانیه در زیر یوغ غلامی آورده اند. حکومت موقتی هند همچنان نماینده های خود را به ایران، ترکیه، چین و جاپان فرستادند تا با این کشورها روابط دیپلماتیک را قایم بسازند. حکومت هند برتانوی شمشیر سینگه و عبدالقادر را در راه رفتن به چین گرفتار نمودند. Sareen.P74

پراتاپ همچنین مینگارد" در خزان سال ۱۹۱۶ من به مزار شریف رفتم. مهمان نایب الحکومه آن ولایت سردار سلیمان خان بودم. با رضایت او رفیق من گوجر سینگه (که نام اصلی او کالاسینگه بود) از سرحد گذشت و در آنطرف سرحد با تورن جنرال اکو Akko و همسر انگلیسی او دیدن نموده بود. از آنطرف خبر مایوس کننده ای آورد مبنی براینکه داخل شدن به خاک روسیه برایم بسیار خطرناک است " PrataP, P 56 مهیندرا پراتاپ، در بهار ۱۹۱۷، به همراهی ۱۴ تن سوار فوج افغانستان سفری به پامیر مینماید؛ ولی به خاطر سردی هوا، به خان آباد بر میگردد. تا موسم تابستان همان سال مهمان نایب الحکومه خان آباد میباشد. در تابستان، به همکاری نایب الحکومه مذکور، از همانجا، یکی از همکاران خود، گوجر سینگه را به پادشاه نیپال میفرستد. Ibid

P 56

امیر حبیب الله خان نه تنها فعالیت های حکومت موقتی هند را در کابل و اطراف افغانستان محدود نساخت بلکه به محصلینیکه از خاک هند به افغانستان میآمدند و بعضی از آنها میخواستند از طریق افغانستان به ترکیه رفته و در جهاد علیه برتانیه حصه بگیرند ممانعت نمی نمود و با آنها کمک لازم مالی می نمود. مولوی عبیدالله سندھی فعالیت های این محصلین را تنظیم می نمود.

باقیدارد